

تحلیل جامعه‌شناختی فقدان فدرالیسم اقتصادی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی ایران

خلاصه

تمرکز و عدم تمرکز در اقتصاد دو رویکرد مهمی است که کشورها طی سالیان متمادی هر کدام از این دو رویکرد را بنا به اقتضائات جامعه خود به کار گرفته‌اند. در این تحقیق تلاش شده است که جامعه ایران را از منظر این دو رویکرد از لحاظ جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین جامعه ایران را هم از لحاظ وضعیت موجود و هم از لحاظ شرایطی که بالقوه می‌تواند اقتصاد و توسعه ایران را در بر بگیرد مورد توجه قرار گرفته است. به این منظور برای ارتباط بهتر با وضعیت موجود و وصل شدن این نظریات با واقعیت‌های موجود جامعه ایران، برنامه‌های توسعه می‌تواند زمینه‌ای برای استخراج داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها باشد. نکته قابل توجه این است که هم برای فهم وضعیت موجود و هم برای شرایطی که می‌تواند وجود داشته باشد از روش تحلیل محتوا در این تحقیق استفاده شده است. نکته قابل توجه در به کارگیری روش تحلیل محتوا این است که برای وضعیت موجود و وضعیتی که می‌تواند وجود داشته باشد از دو رویکرد استقرایی و قیاسی در روش تحلیل محتوا استفاده شده است. برای وضعیتی که می‌توانست وجود داشته باشد از تلخیص معانی دو مفهوم فدرالیسم و اقتصاد آزاد بهره گرفته شده است. در نهایت با توجه به مفاهیم تلخیص شده از این دو مفهوم به جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها با نرم‌افزارهای SPSS و Maxqda پرداخته شده است و جداول و نتایج ترسیم شده و در نهایت تفاسیر مربوط به آنها آورده شده است.

کلمات کلیدی: ۱- فدرالیسم اقتصادی ۲- برنامه‌های توسعه ۳- ایران

مقدمه

تا قبل از مواجهه جامعه ایران با دنیای غرب، فهمی از توسعه نزد حکومت‌گران و مردم ایران وجود نداشته است. ایستایی و بازتولید ساختاری همواره در طول تاریخ بر ایران حاکم بوده است. همچنان که نظام ارباب - رعیتی در طول تاریخ نظام مسلط در ایران بوده است. مواجهه جامعه ایران با دنیای غرب به صورت محدود از دوران صفویه شروع و در دوران مشروطه خواهی به اوج خود می‌رسد و در زمان زمامداری پهلوی اول و دوم تمامی تحولات و تغییرات زیربنایی با حفظ سلطنت متمرکز ادامه پیدا می‌کند. در این دوره بهبود دانش و تکنولوژی پزشکی نرخ مرگ و میر را کاهش می‌دهد و میزان نرخ موالید بر طبق الگوهای سنتی همچنان بالا باقی می‌ماند و این امر زمینه‌ی افزایش جمعیت را فراهم می‌کند. همراه با این تغییرات، تحولات دیگری همچون شهرگرایی، صنعتی شدن، مطرح شدن مفهوم دموکراسی، ظهور دولت - ملت‌ها، شکل‌گیری بازار به معنای جدید و تولید برای بازار و ایجاد ارزش افزوده و بسیاری از مفاهیم دیگر به موازات یکدیگر مطرح می‌شوند. در پی این تغییرات ابتدا برنامه‌های عمرانی و سپس بعد از انقلاب اسلامی ایران برنامه‌های توسعه تدوین می‌شوند.



با توجه به این سابقه تاریخی به نظر می‌رسد که تدوین برنامه‌های توسعه نیز تحت تاثیر این روند تاریخی قرار گرفته است. به نوعی فقدان مشارکت بقیه نواحی جغرافیایی ایران در بخش اقتصادی اسناد توسعه امری مفروض به حساب می‌آید. این مفروضات را می‌توان به عنوان فقدان فدرالیسم در برنامه‌های توسعه در چندین دهه در ایران به حساب آورد.

می‌توان گفت فدرالیسم اقتصادی برنامه‌ای در سطح کلان است که می‌تواند دامنه‌ای گسترده از مسائل موجود در جامعه را پوشش دهد و همچنین زمینه‌ای برای چینش صحیح بخش‌های مختلف اقتصادی در کنار هم باشد. به همین جهت بهتر است به جای اینکه گفته شود فدرالیسم اقتصادی یک مسئله است، بگوییم عدم تحقق فدرالیسم اقتصادی می‌تواند یک مسئله باشد. عدم تحقق چنین موضوعی در ایران در طی چندین دهه مسائلی را ایجاد کرده است. برای درک بهتر می‌توان چندین مسئله را مانند زنجیره‌های متصل به هم بیان کرد؛ یکی از این مسائل حجم بزرگ فعالیت‌های اقتصادی دولت است. تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در دولت مرکزی و انباشته شدن سرمایه می‌تواند منجر به عدم توزیع مناسب ثروت از لحاظ جغرافیایی در کشور شود. دولت در این جا به عنوان توزیع‌کننده ثروت در نظر گرفته می‌شود. همچنان که مشهود است، در جوامعی که تمرکز سیاسی و اقتصادی در یک مکان جغرافیایی به عنوان پایتخت وجود داشته باشد، تمام فرصت‌های اقتصادی برای افراد جامعه در همان منطقه میسر خواهد شد. روند افزایش جمعیت در تهران طبق آمارهای سرشماری از سال ۱۳۳۵ رو به فزونی بوده است و تا کنون هم ادامه دارد. به همین علت است که افراد برای آینده اقتصادی بهتر همواره تهران را شهر رسیدن به آمال و آرزوهای خود انتخاب می‌کنند و طبیعتاً بیکاری و یا ایجاد شغل‌های کاذب در کلانشهر تهران، می‌تواند یکی از پیامدهای چنین روندی در جامعه باشد و به همین ترتیب کلانشهرهای بعدی ایران در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. بسیاری از صنایع تحت قیومیت دولت قرار دارند و عدم رقابت بین آنها منجر به داشتن صنعتی ضعیف در ایران شده است و آنچنان که مشهود است همواره صنعت و اقتصاد پویا به موازات یکدیگر در حرکت هستند. منظور از صنعت و اقتصاد پویا این است که با رونق صنعت و تولید ارزش افزوده ثروت خلق می‌شود و این نیز در اقتصاد موثر بوده و ایجاد اقتصاد پویا را به دنبال خود داشت. هنگامی که ثروت تولید نشود در نتیجه پول خلق شده ناشی از تولیدات صنعتی نخواهد بود و چاپ پول بدون این پشتوانه‌ها باعث کاهش ارزش پول ملی و به تبع آن کاهش قدرت خرید است. سیاست‌های بانک مرکزی در چند سال اخیر در چاپ و انتشار پول بدون پشتوانه جهت رفع کمبودهای نقدینگی، تورم هرچه بیشتر را به همراه داشته است. همچنین فساد اقتصادی در اثر تمرکز ثروت در چند مکان خاص نیز از جمله این پیامدها است، از این رو بیشترین فساد اقتصادی در کشورهایی مشاهده می‌شود که دارای اقتصادی متمرکز هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وجود مشکلات عدیده اقتصادی در نتیجه چینش نادرست بخش‌های مختلف اقتصادی در کنار هم است. فدرالیسم اقتصادی به عنوان یک طرح کلان، زمینه‌ای برای ایجاد فعالیتهای درست اقتصادی است که می‌توان آن را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داد. یکی از این ابعاد، تحلیل جامعه‌شناختی این موضوع در ایران است که برای تحقق بیشتر و پیوند آن با واقعیت‌های امروزه



جامعه ایران، به تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی با توجه به نظریات مرتبط خواهیم پرداخت.

ادبیات نظری

فدرالیسم¹

کلمه "فدرال" یا "فدرالیسم" منشأ آن از کلمات لاتین "foedus" و "fides" است که در انگلیسی، اولی به معنای توافق، معاهده، قرارداد یا میثاق است در حالی که معنای دوم، اعتماد است. (الازار،² 1995؛ ارک،³ 2008؛ دوسنرود،⁴ 2010؛ لیب ن،⁵ 2012؛ ماجکودونمی،⁶ 2015؛ کالو و بینگ⁷ 2016؛ شوتزه،⁸ 2016؛ اوگوننویکی،⁹ 2017). پس از ردیابی منشأ کلمه "فدرالیسم"، در طول سال‌ها فدرالیسم اینگونه تعریف شده است که؛ در کلی‌ترین معنای آن، فدرالیسم ترتیبی است که در آن دو یا چند جامعه خودگردان فضای سیاسی یکسانی را به اشتراک می‌گذارند. (کارمیس¹⁰ و نورمن¹¹ ۲۰۰۵:۳) به گفته (اویوبیر¹² ۷:۱۹۸۵) فدرالیسم در مورد قدرت، تخصیص و اداره آن است، قدرت به عنوان نتیجه تعامل بین سطوح دولت تعریف می‌شود. این تعریف با توجه به فرآیندی است که در آن هر سطح ادعاهایی را بر منابع بدست می‌آورد. از نظر (الا زار 1:1995) فدرالیسم شیوه انجمن و سازماندهی سیاسی است که سیاست‌های مجزا را در یک نظام سیاسی جامع‌تر به گونه‌ای متحد می‌کند که به هر یک اجازه دهد یکپارچگی سیاسی اساسی خود را حفظ کند. به بیان ساده، فدرالیسم با نیاز به ترتیب منظم روابط بین لایه‌های مختلف حکومت در یک ملت ارتباط دارد. (آلیف¹³ ۷۲:۲۰۱۵) به عبارت دیگر، این یک ترتیب نهادی است که در آن (الف) اختیارات عمومی بین دولت‌های ایالتی و یک دولت مرکزی تقسیم می‌شود (ب) هر سطح از دولت دارای موضوعاتی است که در مورد آنها تصمیم‌گیری نهایی می‌کند (ج) در یک سطح عالی دادگاه فدرال به اختلافات مربوط به فدرالیسم رسیدگی می‌کند. (کلن¹⁴ 2003:185)

فدرالیسم، مانند بسیاری از ایدئولوژی‌های دیگر، پیشینه فلسفی غنی دارد که از قرن هفدهم تا عصر روشنگری تا قرن نوزدهم

¹ Federalism

² Elazar

³ Erk

⁴ Dosenrode

⁵ Dosenrode

⁶ Majekodunmi

⁷ Kalu & Bing

⁸ Schütze

⁹ Ogunnoiki

¹⁰ Karmis

¹¹ Norman

¹² Oyovbaire

¹³ Aliff

¹⁴ Kelemen



را در بر می گیرد. در واقع، در بحث در مورد جوامع، ایدئولوژی یک پیش نیاز اساسی است. (آداولا¹⁵ ۲۰۱۷:۷۳) در رابطه با فدرالیسم چندین فیلسوف در اروپا: یوهانس آلتوسیوس¹⁶، امانوئل کانت¹⁷، بارون دو مونتسکیو¹⁸، ژان ژاک روسو¹⁹، الکسیس دو توکویل²⁰، جان استوارت میل²¹ و دیگران نوشته هایی دارند. همچنین محققانی مانند لودولف هوگو و پیر جوزف پرودون، پایه های فلسفی فدرالیسم را در نوشته های کلاسیک خود بنا نهادند. بعد از اینکه فیلسوفان اروپایی مذکور پایه فدرالیسم را بنا نهادند، دانشمندان برجسته نظریه های فدرالیسم را مطرح کردند.

در تاریخ ثبت شده است که دیدگاه های نظری فدرالیسم در قرن بیستم ظهور کرد. از زمانی که این نظریه ها مطرح شد: نظریه حقوقی- نهادی توسط کی.سی. وی²²، نظریه جامعه شناختی توسط دبلیو.اس. لوینسون²³. نظریه چانه زنی توسط دبلیو. اچ. ریکر²⁴، نظریه فرآیند توسط سی. جی. فردریش²⁵ و نظریه فدرالیسم مالی که توسط دبلیو. اچ. اوتس²⁶ ایجاد شده است که توسط چندین روشنفکر به عنوان ابزاری برای تجزیه و تحلیل در گفتمان فدرالیسم در ادبیات منتشر شده و استفاده شده است.

از جنبه دیگر همچنان که بسیاری از فیلسوفان، الهی دانان و نظریه پردازان سیاسی در جهان غرب اشاره کرده اند، ایده فدرال ریسه در کتاب مقدس دارد. در واقع، اولین استفاده از این اصطلاح برای اهداف الهیاتی بود، برای تعریف شراکت بین انسان و خدا که در کتاب مقدس توضیح داده شده است، که به نوبه خود، این شکل به ایده رابطه پیمانی (یا فدرال) بین افراد و خانواده ها داده شد که منجر به تشکیل یک بدنه سیاسی و بین بدنه های سیاسی که منجر به ایجاد سیاست های مرکب می شود. کاربردهای سیاسی کاربرد الهیاتی باعث تبدیل اصطلاح «فدرال» به مفهومی صریحاً سیاسی شد. (الازار، ۱۹۸۷: ۵)

(برخلاف این ادعا، (مگی²⁷ 1931:21) بر این عقیده است که ایده فدرالیسم به تمدن های یونانی بازمی گردد، زمانی که تلاش هایی برای توصیف روابط حقوقی بین اتحادیه ها و دولت شهرها انجام شد. (دار²⁸، ۱۹۷۸:۲۶). به طور مشابه، (۱۱:۱۹۸۷). ریکر معتقد بود که اولین ظهور آنچه که می توان دولت های فدرال نامید در یونان باستان پس از جنگ پلوپونز

¹⁵ Adeola

¹⁶ Johannes Althusius

¹⁷ Immanuel Kant

¹⁸ Baron de Montesquieu

¹⁹ Jean-Jacques Rousseau

²⁰ Alexis de Tocqueville

²¹ John Stuart Mill

²² Wheare, K. C

²³ Livingston, W. S

²⁴ Riker, W. H

²⁵ Friedrich, C. J

²⁶ Oates, W. E

²⁷ Mogi

²⁸ Dare



رخ داد. در نظر همه دانشمندان فوق الذکر عناصری از حقیقت وجود دارد.

همانطور که گفته شد فلسفه فدرالیسم از قرن هفدهم آغاز شده و در قرن نوزدهم به پایان می‌رسد. در قرن هفدهم، کالوینیست آلمانی، یوهانس آلتوسیوس (1638-1557) کتاب کلاسیک خود را با عنوان: *Politica Methodice Digesta* (1603) نوشت که برخی از محققان آن را اولین نظریه منتشر شده جامع فدرالیسم نامیده‌اند. (الازار، ۱۹۹۵: ۲۳) فدرالیسم آلتوسی شامل مجموعه‌ای از انجمن‌ها است که با کوچک‌ترین انجمن‌ها، یعنی خانواده آغاز می‌شود و به فراگیرترین انجمن‌ها، یعنی مشترک‌المنافع یا قلمرو (امپراتوری) می‌رسد. بین خانواده و امپراتوری، دانشگاه‌ها، شهرها و استان‌ها قرار دارند و انجمن‌های کلیسایی نیز بخشی متمایز از نظم قانون اساسی فراگیر بزرگ‌تر را تشکیل می‌دهند. نظم از پایین ساخته می‌شود، یعنی از کوچکترین تا فراگیرترین موجود، و نه برعکس. (مالان²⁹، 2017: 7). آلتوسیوس برای کمک به مطالعه فدرالیسم اغلب به عنوان پدر تفکر فدرالیستی مدرن در نظر گرفته می‌شود (فول استال³⁰، ۲۰۱۸) اگرچه موگی (1931: 30-33) اظهار داشت که افتخار اولین مدافع فدرالیسم مدرن است. مفهوم فدرالیسم به معنای جدید آن به ژان بودین می‌رسد و پس از آن افراد دیگری مانند اتو کاسمانوس، هوگو گروتیوس و ساموئل پوفندورف که فدرالیسم را شکلی داوطلبانه از اتحاد سیاسی، اعم از موقت یا دائمی، از مقامات مستقل، برای اهداف مشترک خاص مانند دفاع در برابر قدرت‌های خارجی، منافع تجارت و ارتباطات یا به دلایل دیگر می‌دانند. (به نقل از دار، ۱۹۷۹: ۲۶) در قرن هجدهم، متفکر سیاسی فرانسوی، بارون دو مونتسکیو (1755-1689)، در کتاب خود: *L'esprit des lois* (1748)، شالوده نظری کنفدراسیون مدرن را پی‌ریزی کرد. همان‌طور که ژان ژاک روسو (1778-1712) فرانسوی اندیشه خود را در مورد فدرالیسم در عصر روشنگری نوشته است. اگرچه نسخه خطی کتاب او در مورد فدرالیسم در طول انقلاب فرانسه (1789-1799) نابود شد. روسو ظاهراً فدرالیسم را جنبه حیاتی یک دولت مردمی می‌دانست. بخش‌هایی از اندیشه او در مورد فدرالیسم را می‌توان در کتاب او یافت. (الازار، 1987). فلسفه فدرالیسم در قرن هجدهم بدون ذکر فیلسوف آلمانی، امانوئل کانت (1724-1804) ناقص خواهد بود. کانت در مقاله خود: صلح دائمی: در طرحی فلسفی (1795) این ایده را بیان کرد که صلح دائمی در سطح بین‌المللی زمانی امکان‌پذیر است که "فدراسیون کشورهای آزاد" وجود داشته باشد. (محمودی، 1387: 56) این ایالات آزاد یک چیز مشترک خواهند داشت، یعنی قانون اساسی مدنی و آنها جمهوری خواهند بود. (کانت 1795)

در قرن نوزدهم، الکسیس دو توکویل فرانسوی، در کتاب خود با عنوان: *دموکراسی در آمریکا* (1835)، «تعامل پیچیده آزاد، برابری و دموکراسی توده‌ای را که از نزدیک در جامعه نوظهور آمریکایی جوان مشاهده کرده بود، بررسی کرد. اوایل دهه 183۰ او معتقد بود که شکل حکومت جمهوری‌خواه برای سرزندگی و دوام آن به دوام سیستم فدرال بستگی دارد و فدرالیسم

²⁹ Malan

³⁰ Follesdal



سم در فدراسیون - تنوع اجتماعی پایدار آمریکا - مستقیماً از جوامع محلی، شهرستان‌ها و مجامع استانی سرچشمه می‌گیرد. (برگس³¹، 2006:10) به طور خلاصه، سهم توکویل در بحث روشنفکری درباره فدرالیسم و فدراسیون، تصدیق اهمیت چیزی بود که او شرایط اجتماعی انگلیسی-آمریکایی‌ها نامید. (برگس، 2006: 11). فیلسوف بریتانیایی، جان استوارت میل (1873-1806) مانند توکویل که وضعیت اجتماعی انگلیسی-آمریکایی‌ها را مشخص کرد، در کتاب خود: ملاحظات مربوط به دولت نماینده (1861)، سه شرط را مشخص کرد که قبل از توصیه فدراسیون ضروری است. اولاً، باید میزان همدردی کافی در میان مردم وجود داشته باشد. ثانیاً، دولت‌های جداگانه نباید آنقدر قدرتمند باشند که برای محافظت در برابر تجاوزات خارجی به نیروی فردی خود متکی باشند و در نهایت، نباید نابرابری قدرت بسیار مشخصی در بین دولت‌های متعاهد وجود داشته باشد. (میل، 2010: 305-306)

اقتصاد

جان مینارد کینز³²

کینز بدون شک یکی از بانفوذترین چهره‌های علم اقتصاد به ویژه سیاست اقتصادی در قرن بیستم است. نظریات اقتصادی تاثیر بزرگی بر پژوهش و آموزش علم اقتصاد در محافل آکادمیک از یک سو و بر سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها با نقش دولت در اقتصاد از سوی دیگر داشته است. کینز با تاکید بر نارسایی‌های نظام بازار این ادعا را مطرح می‌سازد که با دخالت دولت در ساز و کارهای اقتصادی و تنظیم و هدایت مکانیزم بازار می‌توان این نارسایی‌ها را برطرف ساخت و نظام اقتصادی را به سوی وضعیت بهتری از لحاظ تخصیص منابع و ایجاد اشتغال کامل سوق داد.

او با مطالعه و مشاهده وضعیت اقتصادی کشورهای غربی در سال‌های میان دو جنگ جهانی، نظریه اقتصادی خود و نقش فعال دولت در اقتصاد را مطرح ساخت از دید وی اقتصاد سرمایه‌داری کنترل نشده دچار دو مشکل اساسی است که نظام اقتصاد آزاد به خودی خود توان حل آن را ندارد و رفع آنها مستلزم دخالت عواملی خارج از سیستم اقتصادی یعنی دولت است. این دو مشکل بیکاری عوامل تولید و توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد است. دولت با مداخله در فعالیت‌های اقتصادی و هدایت آنها می‌تواند این دو نقص عمده و ذاتی نظام سرمایه‌داری آزاد را برطرف سازد.

به عقیده کینز نظام بازار رقابتی، برخلاف تصور اقتصاددانان ارتدکس، به طور خودکار به استفاده بهینه از منابع اقتصادی نمی‌انجامد و علت این امر اساساً در کمبود تقاضای کل نسبت به عرضه کل با محصول کلی است.

کینز با چنین تصویری از نظام اقتصادی، به این نتیجه می‌رسد که دولت با در دست داشتن اهرم‌های پولی و مالی جامعه، می‌تواند با افزودن بر تجهیزات تولیدی به کمیابی سرمایه پایان بخشد. بهترین سیاست اقتصادی از نظر وی عبارت از پایین

³¹ Burgess

³² John Maynard Keynes



آوردن نرخ بهره نسبت به منحنی بازدهی نهایی سرمایه است به طوری که وضعیت اشتغال کامل تحقق یابد.

کینز معتقد است که دولت با از میان برداشتن کمیابی سرمایه، موجب محو درآمد ناموجه سرمایه داران غیر فعال، یعنی بهره خواهد شد:

امروزه بهره همانند اجاره زمین، پاداش هیچگونه فداکاری واقعی نیست. دارنده سرمایه به این علت که سرمایه کمیاب است، می تواند بهره دریافت کند؛ همانگونه که دارنده زمین به علت کمیابی زمین، می تواند اجاره مطالبه نماید؛ اما در حالی که کمیابی زمین به علت ذاتی قابل توضیح است، برای کمیابی سرمایه علت ذاتی وجود ندارد.

بنابراین بر طبق نظر وی تنها راه چاره مشکل کمیابی سرمایه، افزایش عرضه پول توسط دولت می باشد.

پیام اصلی نظریه عمومی سه بخش است: نخست اینکه اگر نظام بازار آزاد به حال خود گذاشته شود همیشه در وضعیت تعادل اشتغال ناقص به سر میبرد و هیچ مکانیزم درونی آن را به سوی تعادل اشتغال کامل سوق نمی دهد؛ از این رو دخالت دولت برای برطرف ساختن بیکاری ناخواسته عوامل تولید ضرورت دارد. دوم، اینکه بیکاری بر خلاف تصور اقتصاددانان ارتدکس به دستمزدهای انعطاف ناپذیر ربطی ندارد و سیاست ایجاد دستمزد های انعطاف پذیر به جای برطرف کردن مشکل احتمالاً باعث تشدید آن می شود. از نظر کینز، کاهش دستمزدها باعث کاهش بیشتر تقاضای کل و در نتیجه، باعث تشدید بیکاری می گردید. از دید وی، دولت باید با سیاست توزیع مجدد درآمد جلوی پایین آمدن تقاضای مصرفی خانوارها در زمان رکود را بگیرد. بخش سوم پیام کینز این است که سرمایه گذاری، بخشی از تقاضای کل را تشکیل می دهد که پایین بودن آن منشاء اصلی بیکاری است. اینجا نیز دولت باید با اتخاذ تدابیری نظیر پایین آوردن نرخ بهره افزایش سرمایه گذاری بنگاهها را تشویق کند. دولت همچنین می تواند در زمان رکود، هزینه های خود را افزایش دهد تا از پایین آمدن تقاضای کل و در نتیجه کاهش سطح تولید مانع شود. در مجموع می توان نقش دولت را در قالب اقتصاد کینزی به صورت مدیریت کلان اقتصادی از طریق سیاستهای مالی و پولی خلاصه کرد. (موسایی ۱۳۸۶)

33 میلتون فریدمن

از جمله افرادی که به بررسی رابطه بین دولت و اقتصاد می پردازد میلتون فریدمن است. به گفته فریدمن اگر مدیریت یک بیابان شنزار را به بخش دولتی واگذار کنید، بعد از پنج سال با کمبود شن مواجه می شوید. شاید این جمله فریدمن نشان دهنده نوع نگاه انتقاد آمیز او نسبت به رابطه دولت و اقتصاد است. وقایع بعد از جنگ جهانی دوم بین آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی رابطه متفاوتی را نشان می دهد. برنامه ریزی اقتصادی مبتنی بر نظام اشتراکی موجب ایجاد اختلال در آزادی فردی شده بود. با وجود این در بعضی از کشورها نتیجه نه، سرکوب آزادی بلکه معکوس شدن سیاست اقتصادی بوده است. این زمینه باز هم در انگلستان نمونه ای برجسته به شمار می آید. شاید ارائه نظام کنترل تعهدات نقطه عطفی بود که با وجود شعبه

³³ Milton Friedman



های فراوان حزب کارگر تحمل آن را برای اجرای سیاست‌های اقتصادی خود ضروری دانست. این قانون که اجرای کامل آن مستلزم تخصیص مشاغل متمرکز به افراد بود چنان با آزادی شخصی تضاد داشت که فقط در موارد انگشت شماری به اجرا درآمد و پس از زمانی کوتاه لغو شد. این قانون سرآغاز ایجاد تغییری آشکار در سیاست‌های اقتصادی شد که کاهش اتکا بر طرح‌ها و برنامه‌های متمرکز لغو بسیاری از نظارت‌ها و تأکید بیشتر بر اهمیت بازار خصوصی از ویژگی‌های آن بود. در عین حال عدم موفقیت را دست‌کم تا حدودی باید به پیامدهای سیاسی برنامه‌ریزی مرکزی و نیز عدم تمایل برای ادامه منطقی آن نسبت داد. چیزی که حاصل می‌شود طرح کلی نظام اقتصادی ایده آل برای یک جامعه آزاد خواهد بود. مسئله دیگر هماهنگی است. فقط از دو راه می‌توان فعالیت‌های اقتصادی میلیون‌ها نفر را هماهنگ کرد: راه اول هدایت مرکزی از طریق اعمال زور است که روش ارتش و دولت‌های خودکامه امروزی است و راه دوم همکاری داوطلبانه افراد با روش بازار است. الگوی کار جامعه‌ای که از طریق مبادله اختیاری ساماندهی شده عبارت است از اقتصاد مبادلات آزاد بر اساس سرمایه‌گذاری خصوصی یعنی همان چیزی که ما آن را سرمایه‌گذاری رقابتی نامیده ایم. این روند به وسیله موسسات بازرگانی و پول انجام می‌پذیرد. مشروط به آنکه:

۱ بازرگانی خصوصی باشند بدین شکل که طرفین نهایی قرارداد را افراد تشکیل دهند.

۲ افراد در انجام دادن یا ندادن هر گونه مبادله آزاد باشند.

به طوری که تمام معاملات کاملاً داوطلبانه باشد. لازمه حفظ نظم و قانون برای جلوگیری از اجبار فیزیکی فرد به دست فرد دیگر و همچنین اجرای قراردادهایی است که داوطلبانه بسته شده است. تا بدین ترتیب اصطلاح خصوصی تحقق یابد. گذشته از این مشکلات ناشی از انحصار طلبی است که با محروم کردن فرد از امکان استفاده از گزینه‌های انجام یک معامله مشخص از آزادی واقعی جلوگیری می‌کند. زمانی که آزادی واقعی مبادله محفوظ بماند ویژگی اصلی سازمان بازاری فعالیت‌های اقتصادی این است که اجازه نمی‌دهد شخصی مزاحم فعالیت‌های اقتصادی فرد دیگر شود. مصرف‌کننده از اینکه فروشنده او را تحت اجبار قرار دهد در امان است. زیرا فروشنندگان دیگر هستند که او می‌تواند کالای مورد نیاز خود را از ایشان بخرد. فروشنده نیز متقابلاً از اینکه مصرف‌کننده او را تحت اجبار قرار دهد مصون می‌ماند. زیرا مصرف‌کنندگان دیگری وجود دارند که فروشنده کالای خود را به آن بفروشد. در واقع یکی از علل عمده مخالفت با اقتصاد آزاد در همین نکته است که این نوع اقتصاد این وظیفه را به خوبی انجام می‌دهد. اقتصاد بازار آن چیزی را که مردم نیاز دارند در اختیارشان قرار می‌دهد. البته بازار آزاد ضرورت وجود دولت را نفی نمی‌کند بلکه برعکس دولت هم به عنوان مرجع وضع مقررات بازی و هم به منزله داوری که مقررات وضع شده را تفسیر و اجرا کند اساساً دارای اهمیت است. کار بازار این است که حد زیادی از کثرت مسائلی که تکلیف آنها باید از راه‌های سیاسی معلوم شود می‌کاهد و به این ترتیب نیاز به شرکت مستقیم دولت در آن بازار را به حداقل



می‌رساند. وی‌ژگی بارز اقدام از طریق مجاری سیاسی این است که چنین اقدامی مستلزم اعمال دنباله روی یا همنوایی در سطحی وسیع است. از سوی دیگر مزیت عمده بازار آن است که تنوع گسترده را امکان پذیر می‌سازند.

خلاصه اینکه سازماندهی فعالیت اقتصادی از طریق تبادل اختیاری بر این فرض مسلم استوار است که ما از طریق دولت مقدمات حفظ نظم و قانون را برای ممانعت از اجبار علیه فرد دیگر و اجرای قراردادهایی که به طور اختیاری منعقد شده است و همچنین تشریح معنی حقوق مالکیت، تفسیر و تحقق این حقوق و ایجاد یک چارچوب پولی می‌باشد. نقش دولت انجام کار ی است که بازار نمی‌تواند به تنهایی آن را انجام دهد. یعنی وضع و اجرای مقررات بازی و داوری درباره آنها، همچنین ممکن است بخواهیم از طریق دولت به انجام کارهایی بپردازیم که از طریق بازار ممکن نباشد. همه این‌ها، محدود به مواردی می‌شود که در آن تبادل داوطلبانه پرهزینه عملاً غیر ممکن است. این موارد به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند انحصار و نقایص مشابه بازار و آثار همجواری.

تبادل در صورتی حقیقتاً اختیاری است که گزینه‌های کم و بیش مشابه دیگری نیز وجود داشته باشد. انحصار تلویحاً به معنی فقدان گزینه هاست و در نتیجه از آزادی موثر تبادل جلوگیری می‌کند. وقتی شرایط فنی باعث شود که انحصار حاصل طبیعتی نیروهای رقابت‌کننده در بازار باشد فقط سه گزینه وجود خواهد داشت انحصار خصوصی، انحصار دولتی و تعدیل دولتی.

البته نمی‌توان به طور قطعی و مستقل از شرایط عینی، یکی از سه گزینه نامطلوب انحصار خصوصی انحصار دولتی و تعدیل دولتی را انتخاب کرد. اگر انحصار فنی در مورد کالا یا خدمات باشد که مهم و اساسی تلقی شوند ممکن است حتی آثار کوتاه مدت انحصار خصوصی مقررات قابل تحمل نباشد و نیز تعدیل دولتی و مالکیت دولتی شر کوچک تر باشد. شاید انحصار فنی بتواند در هنگام ضرورت انحصار دولتی را توجیه کند، اما نمی‌تواند تضمین‌کننده انحصار دولتی باشد که از طریق غیرقانونی کردن حق رقابت دیگران ایجاد شده باشد. اصول ما در مورد حد مطلوب استفاده از دخالت دولت برای انجام مشترک کاری که انجام دادنش به طور جداگانه از طریق تبادل کاملاً داوطلبانه برای من سخت یا غیرممکن است حد و مرز ثابت و مشخصی ندارد. از این رو ناچاریم برای هر مورد خاص از دخالت پیشنهادی، ترازنامه‌هایی تهیه و فهرستی از فواید و زیان‌ها را در آن جداگانه ثبت کنیم. (فریدمن ۱۹۶۴)

همانطور که در این بخش آورده شد، به نظریاتی در باب فدرالیسم و اقتصاد پرداختیم. نکته‌ای که مورد توجه است اینکه، نظریات کینز زمانی مطرح می‌شود که قطب اقتصاد سرمایه‌داری در دهه ۱۹۳۰ دچار بحران اقتصادی شده است و همچنین رکود اقتصادی به صورت دوره‌ای را تجربه می‌کند که مهمترین آن مساله بیکاری است که به نظر کینز ناشی از تقاضای کل بوده است. اما این تحقیق در مورد جامعه ایران است، به نظر نگارنده ایران هنوز وارد مرحله سرمایه‌داری نشده است که بخواهد رکودی را تجربه کند. بلکه یک روند تاریخی تمرکز در اقتصاد را تجربه کرده است. بنابراین نظریات کینز را نمی‌توان



به عنوان راه برون رفت برای جامعه ایران در نظر گرفت. بلکه نظریات کینز به عنوان اصلاحی برای اقتصاد دچار رکود آمریکا بود؛ که همین نظریات بعدها در دهه ۱۹۸۰ نیز تعدیل می شود. بنابراین می توان گفت در مورد ایران می بایست ابتدا جامعه به مرحله اقتصاد سرمایه داری وارد شود سپس به راه های برون رفت از رکودها اندیشید و نظریات کینز را نمی توان به عنوان توجیهی برای وجود اقتصاد دولت محور در ایران در نظر گرفت.

پیشینه بررسی های انجام شده

فلسفه و نظریه های فدرالیسم

این مقاله به بررسی فلسفه و نظریه های فدرالیسم از قرن هفدهم تا بیستم می پردازد. برای این پژوهش از روش کیفی جمع آوری داده های ثانویه استفاده شد. در این مقاله می خوانیم که، فدرالیسم ایده تشکیل یک اتحادیه دو یا چند کشور مستقل به دلایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و امنیتی است. از قرن هفدهم تا قرن نوزدهم، فیلسوفان اروپایی: یوهانس آلتوسیوس، ایمانوئل کانت، بارون دو مونتسکیو، ژان ژاک روسو، الکسیس دو توکویل و جان استوارت میل، شالوده فلسفی فدرالیسم را در کارهای خود بنا نهادند. در قرن بیستم، CJ ، WH Riker، WS Livingston، KC Wheare، Friedrich و WE Oates نظریه حقوقی- نهادی، نظریه جامعه شناختی، نظریه چانه زنی، نظریه فرآیند و نظریه فدرالیسم مالی را به منظور توضیح ایده «فدرالیسم» ارائه کردند. این مقاله نتیجه می گیرد که فلسفه و نظریه های فدرالیسم ابزارهایی هستند که به تحلیلگران و خوانندگان با دیدگاههای هنجاری و تجربی فدرالیسم، شرایط و پیش شرطهای اتخاذ فدرالیسم، تقسیم قدرت در یک فدراسیون و کارکردهای اقتصادی سطوح دولت در یک ایالت فدرال کمک می کنند. ADEOLA, (2020, Gabriel Lanre , OGUNNOIKI, Adeleke)

نسل دوم فدرالیسم مالی: جنبه های سیاسی تمرکززدایی و توسعه اقتصادی

این مقاله به فدرالیسم مالی نسل دوم کمک می کند، که پیامدهای مشوق های ایجاد شده توسط نهادهای سیاسی و مالی را ردیابی می کند. این رویکرد به بررسی نحوه عملکرد اشکال مختلف فدرالیسم مالی با حضور مقامات سیاسی می پردازد که به جای برنامه ریزان اجتماعی، با اشکال مختلف انگیزه های سیاسی روبرو هستند. این مقاله بر سه مجموعه از مدل های مثبت تمرکز دارد: اول، فدرالیسم خود-اجباری را بررسی می کند. یعنی چگونه سیستم های فدرال با توجه به تمایلات مختلف برای متمرکز شدن یا از هم پاشیدن سیستم های فدرال کنار هم قرار می گیرند. دوم، چگونگی تعامل نهادهای سیاسی خاص، مانند دموکراسی، با تمرکززدایی را در نظر می گیرد. در نهایت، موانع مختلف سیاسی برای رشد اقتصادی را مورد مطالعه قرار می دهد و تعامل با تمرکززدایی را برجسته می کند. (بری آر. وینگاس، ۲۰۱۳)



فدرالیسم و توسعه اقتصادی در هند: یک ارزیابی

این مقاله به بررسی سیستم فدرال هند در زمینه چشم انداز رشد و توسعه اقتصادی آینده هند می پردازد. پس از بررسی مختصری از اصلاحات سیاست اخیر هند و نتایج توسعه اقتصادی، و نهادهای فدرال این کشور، این تحلیل بر روی مسائل عمده با توجه به سیستم فدرال هند از نظر پیامدهای توسعه ای آنها تمرکز می کند. این مقاله تأثیرات تکالیف مالیاتی، مرجع مخارج و سیستم انتقال بین دولتی را بر جنبه‌هایی از اقتصاد و عملکرد اقتصادی هند بررسی می شود: کیفیت حاکمیت و مخارج دولتی، کارایی سیستم مالیاتی، سلامت مالی سطوح مختلف دولت، و اثرات آن بر رشد و نابرابری منطقه ای. در هر مورد، اصلاحات اخیر و احتمالی سیاست مورد بحث قرار می گیرد. در این مقاله هند با سیستم فدرال چین مقایسه می شود که در آن برای تجزیه و تحلیل پرونده هند آموزنده است. در نهایت، بحثی در مورد اصلاحات بالقوه جنبه‌های نهادهای فدرال هند ارائه می شود. (Nirvikar Singh, T.N. Srinivasan. 2013)

نتیجه گیری و پیشنهاد

آنچنان که گفته شد، تعاریف متعددی از فدرالیسم ارائه شده است. اما می توان گفت که تمامی تعاریف در یک فضای مفهومی و نزدیک به هم می باشند. تفاوت میان این تعاریف تاکید هر کدام بر جنبه های مختلف مفهوم فدرالیسم است. این تفاوت برای تحقیق می تواند نقطه قوت محسوب شود. به دلیل اینکه می توان با استفاده از واژه های کلیدی استفاده شده در تعاریف به ترسیم فضای مفهومی فدرالیسم دست یافت. نکته دیگری را که می توان اشاره کرد اینکه، بیشتر نظریاتی که در باب فدرالیسم مطرح شد، اغلب در مورد منشا و چگونگی اجرای صحیح فدرالیسم است و در مورد این است که بهترین شکل از فدرالیسم چیست. در این تحقیق همچنان که در موضوع تحقیق بیان شده است، فدرالیسم در جامعه ایران وجود ندارد و محقق در پی این موضوع است که دلایل جامعه شناختی فقدان فدرالیسم را بیان کند. لذا صحبت در مورد اینکه چه نوع فدرالیسم و یا چگونگی اجرای صحیح آن کدام است، بحثی است که می توان در تحقیقی جداگانه و در زمانی متفاوت به آن پرداخت. جنبه دیگر از موضوع تحقیق این است که، همچنان که در ادبیات موجود در رابطه با فدرالیسم وجود دارد، واژه ای به نام فدرالیسم اقتصادی موجود نیست. منظور محقق از کاربرد فدرالیسم اقتصادی، شرایط حاکم بر جامعه ایران می باشد. منظور از فدرالیسم اقتصادی، پیاده سازی مفهوم فدرالیسم در اقتصاد جامعه است. کاربرد این مفهوم جدای از جنبه های سیاسی موضوع می باشد. گر چه جدا دانستن نظام های مختلف جامعه از یکدیگر در واقعیت امری محال است. به دلیل اینکه هیچ پدیده ای را، مخصوصا پدیده هایی که اینگونه از لحاظ نظری و در واقعیت با یکدیگر ارتباط دارند را نمی توان به طور کامل از یکدیگر جدا پنداشت. اما کاری که در این تحقیق انجام شده است، برش قسمتی از جامعه بدون اینکه وارد مذاقه در مورد رابطه آن با دیگر قسمت ها بشویم می پردازیم. این بخش اقتصاد و مطالعه و تجزیه و تحلیل آن در سطح کلان است. بنابراین تفاوت این تحقیق با مطالعات دیگر که انجام شده این است که، محقق به دنبال بررسی دلایل عدم بروز چنین پدیده



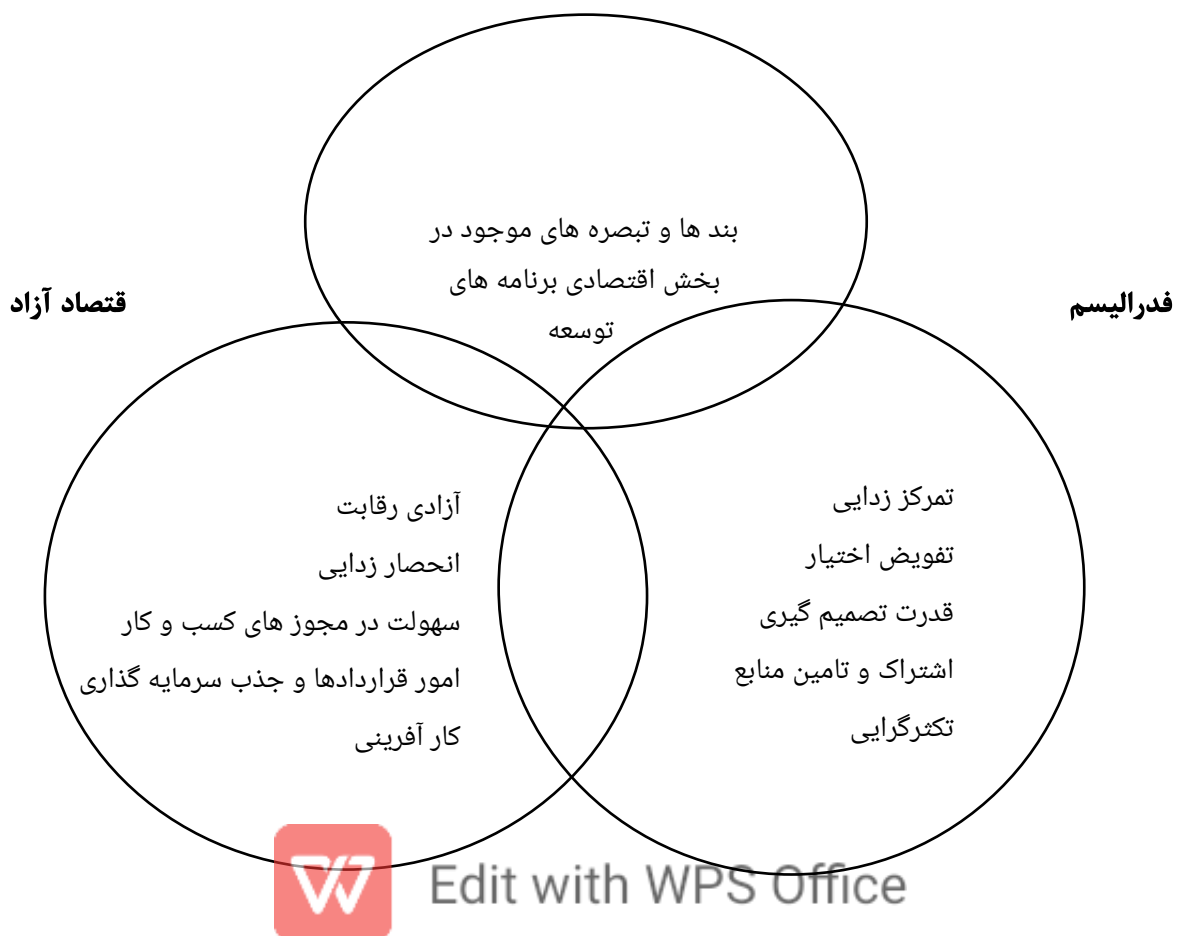
ای در اقتصاد جامعه است و این موضوع با بررسی چگونگی و اجرای آن متفاوت است و دوم اینکه تحقیق برای نائل آمدن به این موضوع برنامه های توسعه را به عنوان منبعی که می تواند بیانگر دیدگاه ها و جهت گیری ها در مورد این موضوع باشد را انتخاب کرده است و در نتیجه با تشریح فضای مفهومی فدرالیسم و اقتصاد آزاد و تلخیص معانی از فضای مفهومی آنها می توان اقدام به تحلیل محتوای برنامه های توسعه بعد از انقلاب اسلامی ایران کرد.

مدل و داده ها

مدل

با توجه به تعاریفی که از فدرالیسم گفته شد؛ نمایی مفهومی از آن برای ما روشن می شود. به بیانی در این تحقیق دو شاخه مهم که می تواند به نحو موثر در یکدیگر ادغام شوند مطرح شد. اول فدرالیسم با فضای مفهومی مختص به خود و دوم فلسفه اقتصاد آزاد و فضای مفهومی آن. این مدل می تواند به عنوان طرحی برای برنامه اقتصادی با توجه به سابقه تاریخی ایران باشد. لذا دو مفهوم مهم که مد نظر این تحقیق است مطرح می شود. به نظر می رسد در هم تنیدگی این دو مفهوم در مقابل در هم تنیدگی مفاهیم مقابل همچون تمرکز گرایی در اقتصاد می تواند به عنوان آنتی تز برای زایشی جدید در حوزه اقتصادی جامعه باشد. لذا تا آنجا که به این قسمت از تحقیق مربوط است در پی این خواهیم بود که با توجه به ادبیات موجود در مورد فدرالیسم و اقتصاد که آورده شد، فضای مفهومی این دو شاخه را مطرح سازیم. اگر خواهیم به صورت یک مدل این فضای مفهومی را بر طبق نظریات و ادبیات موجود ترسیم کنیم به صورت زیر خواهد بود.

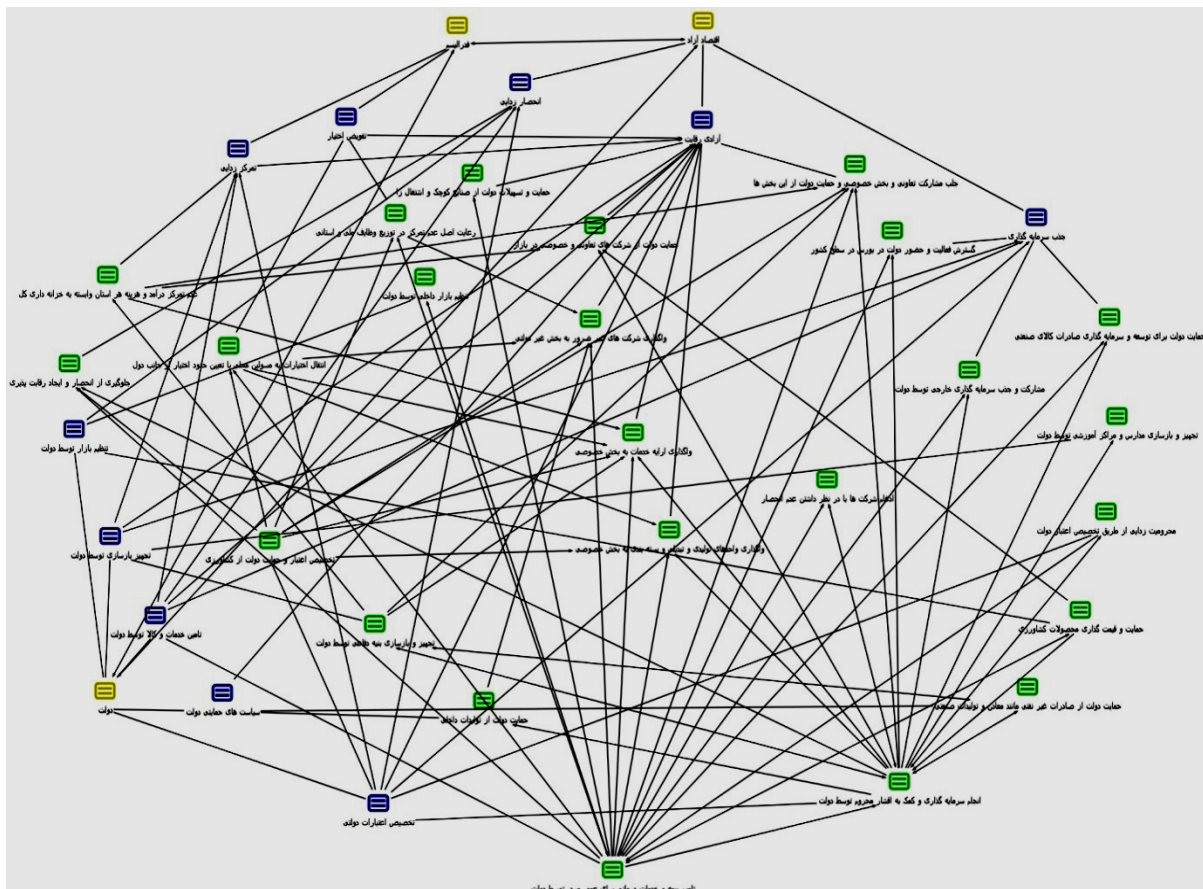
برنامه های توسعه



کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده ها

همچنان که گفته شد بر اساس مضامین تلخیص شده از دو مفهوم اقتصاد آزاد و فدرالیسم اقدام به تحلیل محتوا کردیم و از جنبه دیگر به اکتشاف مضامین جدید در برنامه های توسعه نیز پرداختیم. بر طبق جدول پیوستگی تقاطعی در نرم افزار Maxqda تعداد روابط پیچیده ای را می توان ترسیم نمود. تمامی این روابط بر حسب گره هایی (نودها) است که کدها و مقوله ها و سپس مفاهیم در این جداول را نشان داده است. یک مجموعه ای را برای انتخاب این گره ها در نظر گرفته ایم تا به دقت نزدیکتر باشد. به این صورت که حد پایین مجموعه از 7 بار همپوشانی در برنامه های توسعه شروع شده و حد بالای مجموعه را باز گذاشته ایم. بنابراین همچنان که نشان داده شده است، هر کدام از روابط بالا حداقل 7 بار در برنامه های توسعه با یکدیگر همپوشانی داشته اند.

نمودار ۱



منبع: برنامه های اول تا ششم توسعه؛ سازمان برنامه ریزی و مدیریت کشور



حال باید دید که هر کدام از این کدها و مقوله‌ها و روابط بین آنها در آزمون‌های سطح سنجش اسمی به چه میزان با یکدیگر ارتباط دارند. برای این کار هر کدام از این کدها و مقوله‌ها طبق روال قبل در نرم افزار Spss به اعداد صفر و یک تبدیل می‌شوند. این کار از پیچیدگی روابط همانطور که در نمودار بالا آورده شد و همچنین به تلخیص داده‌ها کمک می‌کند. قابل ذکر است که تنها جداول پیوستگی و روابطی را ترسیم خواهیم نمود که شرایط سنجش آزمون‌های سطح سنجش اسمی را خواهند داشت. چنانچه رابطه‌ای شرایط آزمون سطح سنجش اسمی را نداشته باشد به این معنی خواهد بود که پراکندگی و تعداد همپوشانی‌ها در جدول پیوستگی تقاطعی به آن مقدار نبوده است که بتوان آن را به عنوان رابطه‌ای موثر در نظر گرفت. بنابراین جداول این روابط را ترسیم نکرده ایم. می‌توان گفت چند مفهوم و مقوله در برنامه‌های توسعه را می‌توان به صورت روابط همبستگی در نظر گرفت که در جداول نشان داده شده است. که به صورت ذیل می‌باشد. جداول در قسمت پیوست آورده شده است.

1- ارتباط ما بین مفهوم اقتصاد دولت محور و مقوله رقابت در مفهوم اقتصاد آزاد: در جدول 3 شدت رابطه متوسط و جهت رابطه معکوس است.

2- ارتباط ما بین مقوله تخصیص اعتبار در مفهوم اقتصاد دولت محور و مقوله رقابت در مفهوم اقتصاد آزاد: در جدول 6 شدت رابطه پایین و جهت رابطه معکوس است.

3- ارتباط ما بین اقتصاد دولت محور و مقوله جذب سرمایه گذاری در مفهوم اقتصاد آزاد: در جدول 9 شدت رابطه متوسط و جهت رابطه معکوس است.

4- ارتباط ما بین مفهوم اقتصاد دولت محور و مقوله تفویض اختیار در مفهوم فدرالیسم: در جدول 12 شدت رابطه متوسط و جهت رابطه معکوس است.

5- ارتباط ما بین مفهوم اقتصاد آزاد و مقوله تفویض اختیار در مفهوم فدرالیسم: در جدول 15 شدت رابطه پایین و جهت رابطه معکوس است.

6- ارتباط ما بین مفهوم اقتصاد دولت محور و اقتصاد فدرال: در جدول 18 رابطه بسیار بالا و جهت رابطه معکوس است.



نتیجه گیری

همچنان که گفته شد برنامه های توسعه را می توان به عنوان دیدگاهی نسبت به کلیت اداره جامعه در نظر گرفت. در بخش اقتصاد نیز می توان این سوگیری ها را در نظر داشت. لذا در این قسمت به دنبال علل شکل گیری چنین سوگیری هایی در برنامه های توسعه خواهیم بود. از جمله عللی که در سطح کلان می توان به آن اشاره کرد پشتوانه تاریخی است که می تواند این دیدگاه را حمایت کند.

علل تاریخی

از بدو تشکیل حکومت ها در این منطقه جغرافیایی تا کنون حکومت های متعددی فرمانروایی کرده اند. نکته ای که در تمامی این حکومت ها در طول تاریخ مورد توجه است. پیروزی اقوام مختلف در میدان های نبرد و تحت سیطره درآوردن اقوام دیگر است. به طوری که اسامی تمامی حکومت ها برگرفته از قومیت فاتح است. تا زمان پهلوی اول این روند ادامه پیدا می کند. حکومت پهلوی اول را می توان به عنوان اولین حکومت مدرن در ایران یاد کرد. یکی از نشانه های آن قومیت زدایی وسیع در این دوره و تلاش در جهت ایجاد یک ملت واحد است. البته نشانه های آن از اواخر قاجار شروع شده و به تشکیل مجلس نمایندگان مردم نیز می انجامد. شاکله اقتصادی حکومت ها تا قبل از ورود صنایع جدید در ایران بر پایه کشاورزی است. به تبع این شیوه معیشت حکومت ها نیز از طریق نمایندگان خود که همان اربابان مناطق مختلف هستند بر این نوع شیوه حکمرانی می کنند. می توان گفت قالب شکل گیری این حکومت ها بیشتر بر پایه همین نوع اقتصاد معیشتی است. به بیانی حکومت ها به صورت سلسله مراتبی از اربابان محلی شروع و تا راس حکومت ادامه پیدا می کند. این نوع قالب حکومتی همچنان که گفته شد در طول تاریخ ادامه پیدا می کند. پس از ورود تکنولوژی های جدید در ایران، تغییرات زیر بنایی در حوزه اقتصاد شروع می شود. از جمله اولین این تغییرات، تغییر در حوزه پزشکی است که در روند رشد جمعیت تاثیر بسزایی دارد. کاهش مرگ و میر و افزایش زاد و ولد باعث شد که این نوع از اقتصاد دیگر پاسخ گوی نیازهای جامعه نباشد. با تقطیع زمین های کشاورزی در پی اصلاحات ارضی و فروپاشی نظام ارباب- رعیتی شاکله معیشت سنتی در ایران نیز مضمحل می شود و به تبع آن شیوه جدیدی برای بهره برداری از زمین و منابع جایگزین نمی شود. مهاجرت به شهرهای بزرگ برای تامین مخارج زندگی و یافتن سبک زندگی جدید ادامه پیدا می کند. با ادامه این روند و قانون ارث در ایران روند تقطیع زمین های کشاورزی بیشتر می شود و عملاً کشاورزی در بسیاری از مناطق از بین می رود. علاوه بر آن خشک شدن قنوات و کمبود منابع آبی مزید بر علت می شود. به دنبال این تغییرات محرومیت در این مناطق بیشتر از مناطق شهری شکل می گیرد. قالب حکومتی که بر پایه همان اقتصاد شکل گرفته است همچنان به حیات خود ادامه می دهد. حکومتی سلسله مراتبی و متمرکز، اما به دلیل تغییرات زیر بنایی در حوزه اقتصاد، این نوع حکومت ها با چالش محرومیت و احیای کشاورزی در این مناطق روبرو



می شوند. از این رو حکومت ها همواره برنامه هایی در راستای محرومیت زدایی و اختصاص منابع برای احیای کشاورزی داشته اند. به عبارتی در اینجا حکومت ها و به بیانی دولت های مرکزی بعد از تشکیل دولت های مدرن، همواره اعطا کننده تسهیلات در قالب طرح هایی همچون محرومیت زدایی و تاسیس شرکت های بزرگ کشت و صنعت با کمک های دولت بوده اند. سوال این است که دولت این منابع را برای اعطای تسهیلات چگونه تامین می کند؟ بعد از انقلاب صنعتی در اروپا و وابستگی این کشورها به سوخت های فسیلی ابتدا زغال سنگ و سپس نفت و اکتشاف نفت در ایران یکی از علت هایی است که نفت را عملاً جایگزین تامین درآمد برای حکومت به جای اقتصاد کشاورزی پیشین در ایران می کند. بنابراین تامین اقتصادی و ارزی توسط نفت یکی از علل دوام و بقای قالب حکومتی متمرکز و سلسله مراتبی در ایران می شود. می توان گفت هیچ گاه ایران به مرحله صنعتی شدن به معنای اروپایی آن وارد نشده است. تاسیس صنایع بیشتر بر اساس کمک های دولتی و کارفرمایان و بیشتر وابستگان به حکومت های مرکزی بوده است. بدین معنا هیچ گاه آنتروپورنر و ایجاد طبقه سرمایه دار در ایران به معنای اروپایی آن نیز وجود نداشته است. تصدی گری دولت سبب شد که دستگاه های اداری زیادی در شهرهای بزرگ به خصوص تهران تجمع شود و اکثر سرمایه داران و صاحبان صنایع برای برخورداری از مواهب این دستگاه ها در تهران جمع شوند و قشر وابسته به این دستگاه ها و صنایع، بیشتر در کلان شهرها سکونت گزینند. از این رو دو طبقه عمده در ایران (شهری و روستایی) شکل می گیرد. اصطلاح واژه شهرستانی یا دهاتی در فرهنگ عامه همچنان یکی از نمادهای فرهنگی این تغییرات زیر بنایی است.

می توان گفت همواره برنامه ریزی برای محرومیت زدایی و کمک به احیای کشاورزی و یا در قالب برنامه های تجهیز و بازسازی همواره در برنامه های توسعه به چشم می خورد. البته ناگفته نماند، یکی از علل دیگری که در برنامه های توسعه جهت تجهیز و بازسازی نیز موثر بوده است، وقوع هشت سال جنگ برای ایران بوده است به طوری که در برنامه اول توسعه بعد از انقلاب، برنامه ها در جهت تجهیز و بازسازی برای مناطق محروم بوده است و همین موضوع نیز به تقویت همگرایی و تمرکز گرایی در برنامه های توسعه برای بازسازی این مناطق موثر بوده است. به طوری که بزرگترین کارفرمایان در این دوره می توان از جهاد سازندگی و سپاه پاسداران نام برد.

بنابراین می توان گفت از لحاظ تاریخی سه مولفه تاریخی در ایجاد اقتصاد دولت محور موثر بوده اند. ابتدا اضمحلال شیوه معیشت کشاورزی و عدم جایگزینی شیوه معیشت و همچنین ادامه حیات قالب حکومتی مبتنی بر این نوع شیوه معیشت است. دوم اکتشاف نفت و تامین منابع ارزی برای ادامه حیات قالب حکومتی متمرکز و سوم بروز هشت سال جنگ و ورود کارفرمایان نظامی جهت بازسازی و محرومیت زدایی این مناطق و بازتاب آن در برنامه های توسعه است.



گفتمان های تاریخی در ایران

تا کنون به تغییرات اقتصادی از لحاظ تاریخی در ایران پرداختیم. سوال این است که این تغییرات سبب زایش گفتمان های مختص به خود در ایران شده است و این گفتمان ها چه تاثیری بر تدوین برنامه های توسعه داشته است؟

همانطور که گفته شد شیوه معیشت کشاورزی در ایران سبب ایجاد گفتمانی شده است که ایجاد حکومت های متمرکز را توجیه می کند. علاوه بر آن آموزه های مذهبی چه قبل از اسلام و چه بعد از آن بر بازتولید چنین گفتمانی نقش حمایت کننده را ایفا نموده است. این نوع از گفتمان که عبارت بوده است از الیگارشسی نظامی ، سلطنت مطلقه و برگزیدگان مذهبی، تا زمان تاسیس پهلوی اول ادامه پیدا می کند. در این زمان با ورود گفتمان غربی و برخورد آن با گفتمان موجود در ایران بسیاری از مفاهیم در ذهنیت حکومت گران تغییر می کند و حاصل آن مطرح شدن مفهوم توسعه و کمرنگ شدن نقش آموزه های مذهبی و تزلزل جایگاه نخبگان مذهبی در میان حکومت گران است. اما همچنان شیوه حکومت متمرکز جهت پیاده سازی مفهوم توسعه پابرجا می ماند و آموزه های مذهبی نزد عموم مردم به عنوان سنت دیرین به ودیعه گذاشته می شود. بعد از جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین و شکل گیری بلوک شرق و غرب در جهان دو گفتمان عمده در ایران شکل می گیرد. ابتدا گفتمان ملی گرایی به معنای جدید آن و دوم گفتمانی است که از جانب بلوک شرق وارد ایران می شود که می توان آن را در قالب فعالیت های حزب توده در ایران مشاهده کرد و در کنار این دو گفتمان کماکان نیز گفتمان مبتنی بر آموزه های مذهبی نیز به حیات خود ادامه می دهد. نکته حائز اهمیت و مشترک در هر سه گفتمان با تفاوت هایی در نوع حکومت، حفظ حکومتی متمرکز برای اداره امور است. تفاوت ها در این سه گفتمان به این صورت است که در گفتمان ملی گرایی تاکید بر حکومتی ملی به دور از آموزه های مذهبی در امر سیاست ولی با حفظ انسجام و تمرکز حکومتی جهت پیاده سازی مفهوم توسعه در ایران می باشد. در گفتمان مذهبی نیز با تاکید بر دیرینه بودن و ریشه دار بودن این آموزه ها در اذهان عموم مردم با حفظ مذهب در اداره امور حکومتی به پیاده سازی مفهوم توسعه با حفظ حکومتی متمرکز مبتنی بر مذهب می پردازد. در گفتمان مبتنی بر آموزه های مارکسیست-لنینیستی نیز به مفهوم توسعه مبتنی بر عدالت با حفظ حکومت متمرکز مبنی بر حکومت اقشار محروم بر جامعه به صورت حزبی متمرکز می پردازد. بنابراین گفتمان موجود در ایران ترکیبی از این سه گفتمان تاریخی است. بعد از انقلاب اسلامی با تفوق گفتمان مذهبی در ایران آنچنان که گفته شد تجلی این گفتمان را می توان در تدوین برنامه های توسعه مشاهده کرد. یکی از بارزترین تجلیات آن حفظ اقتصاد دولت محور در این برنامه هاست. همواره کمک به محرومین و ایجاد عدالت و حفظ انسجام مذهبی در مقابل مذاهب دیگر همچون وهابیت و فرق دیگر تسنن از جمله علل تاریخی این نوع نگاه بوده است. این موضوع از زمان صفویه مطرح می شود و سلسله جنگ هایی که در طول تاریخ این دوره رخ داده است موید این موضوع است. همچنین نزدیکی مفاهیمی همچون عدالت و



کمک به محرومین در آموزه های مذهبی ایران با آموزه های مارکسیست-لنینیستی و مبارزه با استیلای جهانی سرمایه داری جهت استیفای حقوق مستضعفین سبب قرابت معنایی با این گفتمان می شود. با تمامی این تحولات و تفاسیر، سرانجام گفتمانی در برنامه های توسعه تسلط پیدا می کند که اقتصاد دولت محور در مرکز توجهات و در تنظیم ماده ها، بندها و تبصره ها دخالت دارد و در همین راستا چنانچه مشاهده می شود بیشتر مقوله ها در برنامه های توسعه در رابطه با اقتصاد دولت محور است.

اقتصاد دولت محور و اقتصاد فدرال

با توجه به پشتوانه تاریخی و گفتمانی که مطرح شد، می توان گفت که اقتصاد دولت محور و اقتصاد فدرال از دو منشاء تاریخی و گفتمانی متفاوت هستند. هنگامی که صحبت از اقتصاد در اقتصاد فدرال می شود. معنایی متفاوت از اقتصاد دولت محور دارد. معنای اقتصاد فدرال به معنای ترکیبی از اقتصاد آزاد و فدرالیسم است. اقتصاد آزاد دارای اصولی است که تضعیف هر یک از این اصول سبب گرایش به جریان اقتصاد دولت محور و متمرکز می شود. یکی از این اصول مهم در اقتصاد آزاد حفظ رقابت آزاد است. به طوری که هر کنشگر اقتصادی به طور آزادانه به دور از هر قیدی به فعالیت اقتصادی خود بپردازد. از جمله موانعی که مانع رقابت آزاد می شود انحصار گرایی است. گرچه انحصار گرایی در نهایت در اقتصاد آزاد نیز به وجود می آید. اما انحصارگرایی در اقتصاد آزاد نیز متفاوت از انحصارگرایی در اقتصاد دولت محور است. انحصار گرایی در اقتصاد آزاد مبنی بر رقابت پیروزمندانه فعالان اقتصادی و ایجاد شبکه ای از صنایع تولیدی و خدماتی است که تولید کالا و خدماتی را به صورت انحصاری در اختیار می گیرند. برای مثال فعالیت سیلیکون ولی در آمریکا حاصل رقابت با شرکت های موازی همچون روت 128 است. که گوی سبقت را در دهه 1980 از روت 128 می رباید. در مقابل انحصار در اقتصاد دولت محور بیشتر بر پایه دادن امتیازاتی برای تولید انحصاری کالا و خدمات خاصی است. همچنان که سیاست تنظیم بازار و حمایت از تولیدات داخلی از جمله مواد قانونی است که در برنامه های توسعه بر آن تاکید شده است. محل اجرای هر دو مورد رقابت آزاد و انحصار زدایی بازار است. تا زمانی که بازار از هر جهت با مکانیسم عرضه و تقاضا محقق نشود نمی توان انتظار داشت که هر دو اصل رقابت آزاد و انحصارزدایی به صورت صحیح اجرا شود. منتهی ماهیت بازار در برنامه های توسعه بیشتر به عنوان پدیده ای نگریده می شود که گاهی باید مورد نظارت و تنظیم قرار بگیرد. اگر ما هر مصرف کننده را به عنوان فردی عقلانی در نظر بگیریم. این انتظار می رود که این فرد با توجه به قدرت خرید خود و تنوع محصولات و کیفیت ارائه کالا دست به انتخاب بهترین کالا و خدمات خواهد زد. در واقع انتخاب مصرف کنندگان است که به تولیدکنندگان جهت می دهد. اما آنچنان که مشاهده می شود سیاست های تنظیم بازار و حمایت از تولیدات داخلی تنوع در انتخاب مصرف کننده را تا حد پایینی تنظیم می کند. در نتیجه تولید کننده بدون تلاشی در جهت رقابت با دیگر شرکت های تولیدی و با حمایت های



قانونی به کار خود ادامه می دهد. این موضوع به سستی و کرختی تولید کننده جهت بهبود کالای خود می انجامد و قصدی برای ارائه بهتر کالا نیز نخواهد داشت و در نتیجه صنعتی ضعیف شکل می گیرد که همواره در پی حمایت ها و کمک های دولتی از جمله یارانه های اهدایی دولت مرکزی است. به تبع این موضوع همواره جذب سرمایه گذاری در صنایع بیشتر به صورت کمک های دولتی خواهد بود. جذب سرمایه گذاری در اقتصاد آزاد به صورت کلاسیک به صورت ارزش افزوده ای است که در متون تحلیل سرمایه داری به آن پرداخته شده است. در حال حاضر فعالیت بورس ها در اقتصاد بازار آزاد در جذب سرمایه گذاری نقشی بسزا دارد. سرمایه گذاری در اقتصاد دولت محور بیشتر بر اساس کمک های دولتی است که به صورت شبکه ای از بده و بستان ما بین دولت و بانک مرکزی است. این زنجیره به این صورت است که درآمد های حاصل از فروش نفت در حساب ذخیره ارزی جمع شده و به دولت مرکزی برای اجرای طرح های عمرانی و تقویت صنایع داده می شود. دولت با گرفتن این اعتبارات بانکی آن را به صنایع تزریق می کند و همچنان که گفته شد. این صنایع روند زیان دهی خود را به دلیل سستی که قبلا ذکر شد با اعتبارات دولتی جبران می کنند. به نظر می رسد که بورس به معنای واقعی مسئول جذب سرمایه گذاری نباشد. همچنان که در سال های اخیر زیانبار بودن فعالیت های بورسی موید این موضوع است. در تمامی ماده های قانونی در برنامه های توسعه از لحاظ محتوا به چگونگی فعالیت بورس توجه نشده است. تنها در موادی به گسترش فعالیت بورس اشاره شده است. در مواردی هم در سال های اخیر بورس به کمبود نقدینگی دولت کمک کرده است. به دلیل اینکه بیشتر سهام های ارائه شده در بورس مربوط به شرکت هایی است که خود وابسته دولت هستند. با جمیع این عوامل کارآفرینی تبدیل به اسطوره ای می شود که تنها می توان ادبیاتی در مورد آن را مشاهده کرد. کار آفرینی در برنامه های توسعه بیشتر در قالب کمک های دولتی به مناطق محروم در صنایع کوچک شهری و روستایی است. با جمیع این دلایل می توان گفت که تحقق اقتصاد آزاد نیازمند در هم قرار گرفتن تمامی این مقوله هاست. به عبارتی با قرار گرفتن مقوله های رقابت، انحصار زدایی، بازار و جذب سرمایه گذاری به معنای واقعی خود می توان انتظار تحقق اقتصاد آزاد را داشت.

در ابتدا به ادبیاتی در رابطه با فدرالیسم پرداختیم. حاصل بررسی مفهومی فدرالیسم چند مقوله مشترک در این مفهوم بوده است. از جمله: تمرکز زدایی، تفویض اختیار، قدرت تصمیم گیری و اشتراک و تامین منابع است. تمرکز زدایی به عنوان مقوله مرکزی در فدرالیسم مطرح می شود. همچنان که گفته شد همواره تمرکزگرایی در تدوین برنامه های توسعه و در شیوه اداره امور با توجه به پشتوانه تاریخی و گفتمانی در مرکز توجه بوده است. این موضوع چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب در تدوین برنامه های توسعه مشهود است. همچنین مطرح شدن مباحث مربوط به جدایی طلبی قومیت ها در نواحی مختلف همواره تهدیدی برای تمرکززدایی محسوب می شوند. بنابراین حکومت مرکزی همواره در پی انسجام و همگرایی بیشتر و در نتیجه کنترل بیشتر بر نواحی را همواره مد نظر داشته است. اما در راستای موضوع تحقیق منظور از فدرالیسم استقلال سیاسی مناطق نیست. بلکه منظور تمرکز زدایی از لحاظ فعالیت های اقتصادی در جهت استفاده بهینه از منابع موجود در



مناطق است. جمع شدن بیشتر فعالیت های اقتصادی در کلان شهرها موجب پس افتادگی این مناطق و بی توجهی به ظرفیت های انسانی و طبیعی این مناطق می شود. همواره این مناطق در انتظار کمک های حکومت مرکزی در قالب برنامه های محرومیت زدایی و تخصیص اعتبار داشته اند. از جمله تاکیدات قانونی پر رنگ در برنامه های توسعه کمک به اقشار محروم، بیمه و خدمات درمانی برای این مناطق و همچنین کمک و حمایت از کشاورزی توسط بانک کشاورزی بوده است. می توان گفت عملاً این مناطق به عنوان مناطقی وابسته به اقتصاد دولت محور باقی می مانند. تفویض اختیار نیز یکی از مفاهیم برجسته در فدرالیسم است. تمرکز زدایی در گرو تفویض اختیارات به مناطق مختلف و بالا بردن قدرت تصمیم گیری است. قسمت عمده ای از تصمیمات در مراکز حکومتی گرفته می شود. همواره استعلام و مکاتبات اداری در راستای تعیین تکلیف از حکومت مرکزی بوده است. برای مثال برای بستن قرارداد با یک شرکت خودروسازی یک منطقه به تنهایی نمی تواند در رابطه با این موضوع تصمیم گیری کند و استعلام از دولت مرکزی جز ضروریات این تصمیم خواهد بود. در رابطه با اشتراک و تامین منابع می توان گفت بیشتر مناطق در نقش تامین کننده منابع خام برای اقتصاد دولت ظاهر می شوند. همچنین مباحث مربوط به آمایش سرزمین غالباً به این صورت است که کمک هایی از سوی دولت آنچنان که گفته شد در جهت محرومیت زدایی و کمک به اقشار محروم و احیای کشاورزی مد نظر قرار می گیرد. در صورتی که جنبه دیگر بحث آمایش سرزمین به بلوغ رساندن ظرفیت های منطقه ای است که در برنامه های توسعه به آن توجه نمی شود. بنابراین منظور از اشتراک و تامین منابع این است که به میزانی که اقتصاد دولت محور از آن منتفع می شود آن منطقه نیز از موهبت های آن بهره مند شود. به بیانی می توان گفت فدرالیسم نیز دارای مقولات مفهومی است که با در کنار هم قرار گرفتن این مقولات مفهوم فدرالیسم محقق می شود.

فدرالیسم اقتصادی یا اقتصاد فدرال نیز در اثر تجمیع این مقوله ها در هر دو مفهوم اقتصاد آزاد و فدرالیسم محقق می شود. رقابت همراه با انحصار زدایی و تحقق بازار آزاد و جذب سرمایه گذاری در کنار مقولاتی همچون تمرکز زدایی و تفویض اختیار و قدرت تصمیم گیری و اشتراک و تامین منابع با توجه به سابقه تاریخی و گفتمانی موجود در ایران معنا پیدا می کند. که جمیع این مفاهیم را می توان در قوانین موجود در برنامه های توسعه پیش بینی نمود.

منابع

کتاب

1- روش های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل، جلد اول، از کیا، مصطفی، احمد رش، رشید، پارتازیان، کامبیز، انتشارات

کیهان، ۱۳۹۵



2- روش های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل، جلد دوم، از کیا، مصطفی، احمد رش، رشید، پارتازیان، کامبیز، انتشارات کیهان، ۱۳۹۵

3- جامعه شناسی توسعه، از کیا مصطفی، غفاری غلامرضا، انتشارات کیهان، چاپ دوازدهم ۱۳۹۴

4- امام خمینی (س)، دولت و اقتصاد، موسایی، میثم، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶

5- جامعه شناسی اقتصادی، ریچارد سوئدبرگ، مارک گرانووتر، ترجمه علی اصغر سعیدی، انتشارات تیس، ۱۳۹۷

6- سرمایه داری و آزادی، میلتن فریدمن، ترجمه غلامرضا رشیدی، انتشارات غزال، ۱۳۸۰

7- فدرالیسم در جهان سوم، جلد اول، خوبروی پاک، محمد رضا، نشر هزار، ۱۳۸۹

8- فدرالیسم در جهان سوم، جلد دوم، خوبروی پاک، محمد رضا، نشر هزار، ۱۳۸۹

9- فدرالیسم اقتصادی، رضایی، محسن، ناشر: معاونت اطلاع رسانی و پژوهش، ۱۳۹۰

۱۰- جامعه شناسی روستایی، وثوقی، منصور، انتشارات کیهان، چاپ یازدهم ۱۳۶۶

۱۱- دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران، بشیریه، حسین، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۱

۱۲- روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری، محسنی تبریزی، علیرضا، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۵

۱۳- رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، رابینگتن، ارل، واینبرگ، مارتین، مترجم، صدیق سروستانی، رحمت اله، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲

۱۴- کاربرد نرم افزار SPSS در پژوهش اجتماعی، علیرضا کفاشی، نشر فوژان، چاپ دوم، ۱۳۹۴

مقاله

۱۵- زریباف، مهدی، نقدی بر روش شناسی اقتصاد تحقیقی میلتن فریدمن، نامه علوم انسانی، ۱۳۸۳

۱۶- اطاعت، جواد، ۱۳۸۸، تمرکز زدایی و توسعه پایدار در ایران، مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، ۱۳۸۹

۱۷- اسدی، مرتضی، ۱۳۷۱، تمرکز سیاسی - اداری و مراحل رشد اقتصادی، مجله تحقیقات اقتصادی، ۱۳۷۱

۱۸- نودری، حمزه، کریمی، علیرضا، بررسی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران از منظر تحلیل گفتمان، مجله مطالعات جامعه شناختی، ۱۳۹۱



۱۹- خانزادی، آزاد، حیدریان، مریم، مرادی، سارا، اثرات تمرکز گرایی مالی بر جذب سرمایه گذاری خصوصی در استان های ایران، مجله اقتصاد و الگو سازی، ۱۳۹۷

۲۰- عباسی، ابراهیم، رستگار نیا، فاطمه، مهدی، بررسی تاثیر تمرکز زدایی مالی بر اندازه دولت و رشد اقتصادی استان ها، مجله برنامه ریزی و بودجه، ۱۳۹۴

۲۱- چاپی نوش آبادی، عمار، بررسی جامعه شناختی بردباری در تعاملات اجتماعی و اثرات موثر بر آن، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰،

منابع انگلیسی

22- The Philosophy And Theories Of Federalism, Adeola, Gabriel Lanre , Crawford, Ogunnoiki, Adeleke Olumide, Journal of Politics, Vol.1. No.2. Sept. 2020

23- Second Generation Fiscal Federalism: Political Aspects of Decentralization and Economic Development, Barry r. Weingast, World Development Vol. xx, pp. xxx-xxx, 2013

24- Federalism and Economic Development in India: An Assessment, Nirvikar Singh+ T.N. Srinivasan, Department of Economics and Economic Growth Center, Yale University and Stanford Center for International Development, Stanford University, June 2006

25- Endogenous Policy Decentralization: Testing the Central Tenet of Economic Federalism, Koleman S. Strumpf University of North Carolina at Chapel Hill Felix Oberholzer-Gee University of Pennsylvania, Journal of Political Economy, 2002, vol. 110, no. 1

26- Constitutions, Federalism, and National Integration, Stephen Ansolabeherey M. Socorro Puy, Department of Government. Harvard University, June 12, 2020

27- Theories of Development, Mario Coccia Italian National Research Council, June 2019

28- The philosophy and theories of federalism, Adeola, Gabriel Lanre, Crawford Journal of Politics, Sept. 2020

29- Planning for Economic Development, Richard Hu, in Carola Hein, ed. The



Routledge Handbook of Planning History, London and New York: Routledge, 2018

30-Theoretical Analysis Of The Fiscal Federalism, Neringa Slavinskaite,AušraLiucvaitiene,DainoraGedvilaite, International Journal of Contemporary Economics and Administrative Sciences, 11.2019

31- Joseph Schumpeter and His Legacy in Innovation Studies,Gert-Jan Hospers, Knowledge, Technology, & Policy, Fall 2005, Vol. 18, No. 3

32- Federalism and Economic Development in India: An Assessment, Singh, Nirvikar and Srinivasan, T.N. University of California, Santa Cruz June 2006

33- An overview of content analysis An overview of content analysis, Steve Stemler, Practical Assessment, Research, and Evaluation Practical Assessment, Research, and Evaluation, Volume 7 Volume 7, 2000-2001

پیوست

جدول ۳

اندازه های متقارن

		Value	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	-.537	.000
	Cramer's V	.537	.000
N of Valid Cases		199	

جدول ۶

اندازه های متقارن

		Value	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	-.226	.001
	Cramer's V	.226	.001
N of Valid Cases		200	



اندازه های مقارن

		Value	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	-.350	.000
	Cramer's V	.350	.000
N of Valid Cases		199	

اندازه های مقارن

		Value	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	.148-	.036
	Cramer's V	.148	.036
N of Valid Cases		200	



اندازه های متقارن

		Value	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	-.969	.000
	Cramer's V	.969	.000
N of Valid Cases		199	

اندازه های متقارن

		Value	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	.272-	.000
	Cramer's V	.272	.000
N of Valid Cases		199	

